

شوق آموختن – صفحه ۱۰۲

#تاریخ ادبیات:

حکایت زمستان: نوشته‌ی سعید عاکف

#معنای لغات:

اسارت: اسیر بودن / سرافراز: پرافتخار / روایت: بیان کردن مطلب یا خبر / شوق: علاقه / اصل و نسب: نژاد و تبار / نسب: اصلالت / مخوف: ترسناک / رژیم: نیروی نظامی / رژیم بعث: اسم حکومت عراق در زمان صدام / غالب: اکثر، بیشتر / اسرا: (جمع اسیر) اسیران / اصول: جمع اصل / آرمان: آرزو، هدف، ایده‌آل / محدودیت: تنگنا، سختی / اعمال کردن: انجام دادن، ایجاد کردن / حدیث: سخن معصومین / خودجوش: بدون دستور / شریف: ارجمند، بزرگوار / اکثر: بیشتر / علوم: جمع علم / آسایشگاه: محل استراحت / کسلی: تنبلی و بی‌حوصلگی / صلیب سرخ: سازمان جهانی امداد رسانی / طبق معمول: مثل همیشه / دلخوشی: خوشی دل / مقصود: هدف / فوراً: سریع / مرده می‌شیم: میمیریم / مصمم: با اراده، ثابت، استوار / مطمئنم: اطمینان دارم / می‌ستود: تحسین و ستایش می‌کرد / محوطه: فضای حیاط / به محض اینکه: همین که / به لحاظ: از نظر / مضيقه: تنگنا، سختی / فی المجلس: فوراً، همان موقع / طریق: راه و روش / اوقات: جمع وقت / فضیلت: برتری / اصلاح کردن: درست کردن، بهتر ساختن / ظرف سه روز: به مدت سه روز / نشریات: روزنامه‌ها و مجلات / هجی کردن: تلفظ کردن، حرف به حرف گفتن / بالاخره: سرانجام، در آخر کار / خوش: خوشحال / حساسیت: توجه بسیار / تبعید: دور کردن، راندن، به جای دوری فرستادن / شکنجه: عذاب دادن / گریبان: یقه / رد شد: عبور کرد / قیافه: چهره / مؤدبانه: با ادب و متانت / نابغه: باهوش

#آرایه‌ها:

هیچ تعریفی نداشت ← کنایه از بد و نامناسب بودن / دل به آموختن و یادگیری نمی‌داد ← کنایه از توجه نکردن / رویش نمی‌شد ← کنایه از خجالت می‌کشید / صاف و صادق بودن ← کنایه از سادگی / رنگش پرید ← کنایه از ترسیدن / بند را محکم بستن ← کنایه از آمادگی / یک کتاب حرف داشت ← کنایه از حرف بسیار داشتن / گل از گل شکفتن ← کنایه از خوشحالی بسیار / یک نفس می‌دوید ← کنایه از بدون توقف / از خدا خواسته ← کنایه از علاقه‌مندی / سر در گریبان ← کنایه از به فکر فرورفتن / مثل بلبل ← تشبیه / از جا پریدن ← کنایه از شگفتی و تعجب بسیار / بذار این بابا رو راه بندازم ← کسی را راه انداختن ← کنایه از رسیدگی به کار دیگران

#نکات دستوری:

دل خوشی ⇨ ترکیب اضافی مقلوب ← خوشی دل / هزار و یک ← عدد کثرت

نوع نثر: ساده و روان